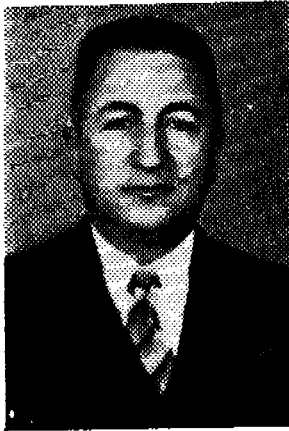


# چرا داد گستری ایران تا کنون اصلاح نشده؟

مقدمه :



بعد از استقرار مشروطیت در ایران که هدف اولی آن بر قراری عدالت خانه جهت جلوگیری از تعدیات حکام و عمال دولت بود و تأسیس عدلیه بشکل عدلیه ممالک اروپائی منظور همه این بود که این دستگاه عدالت حقوق مردم را آنطور که مردم متوقع بودند حفظ کند و دیگر بیعدالتی یا قدرت تضییع حقوق اشخاص بهیچ وجهی وجود نداشته باشد و همه مسائل و دعاوی مطلقاً بر اساس قوانین و اصول باشد و هر موقع که برخلاف

امور مزبور چیزی مشاهده میشود مردم عیب را از دستگاه داد گستری میدانند و همه در آرزو و انتظار هستند این دستگاه بنحوی اصلاح شود که تمام دعاوی و شکایات و مراجعات مردم بر اساس مذکور حل و فصل گردد هر زمان که افکار مردم از عدلیه ناراضی بوده برای راضی ساختن مردم دست باصلاح آن زده اند و این اصلاحات یا تأمدت کوتاهی مفید و موثر واقع شده یا بعضی از اقدامات مبتنی بر غرض شخصی و سیاسی بوده و اشخاص صالح هم قربانی این عملیات در عرض اشخاص ناصالح واقع شده اند یا تغییراتی در قوانین بوجود آمده ولی بعد از مدتی باز از وضع جدید عدم رضایت ایجاد شده و باز ب فکر اصلاح هر آمده اند و هنوز هم در فکر اصلاح هستند. دیوان عالی کشور تا آنجا که نویسنده بخاطر دارم سه بار منحل شده و شاید این چنین تغییرات در کمتر کشوری در مدت سی سال بعمل آمده باشد.

\* آقای ارسلان خلعت پری (عکس بالا) فرزند مرحوم علی قلی امیر اسعد ونوه محمد ولیخان سپهسالار تنکابنی در سال ۱۲۸۳ (۱۰۷۰ ش) در تنکابن مازندران متولد شده، تحصیلات خود را در کالج آمریکائی و دانشکده حقوق طهران پایان رسانیده و سالهاست که بوکالت داد گستری و نگارندگی در جراید و دو دور نمایندگی مجلس شورای ملی اشتغال دارند. پستهای مهم از ریاست شهرداری تهران و استانداری کیلان نیز عهده دار بوده و تألیفاتی نیز در حقوق دارند. در دوره سوم مجله «آینده» از همکاران این مجله بوده و در آینده نیز همکاری خواهند فرمود.

عدم رضایت از داد گستری منحصر بایران نیست: آن داد گستری که ما انتظار داریم نمونه کامل آن در کمتر کشوری وجود دارد و در چند کشوری که بصورت بهتری وجود دارد جهات و عللی هست که مربوط بآن است. در خیلی از ممالک از داد گستری عدم رضایت هست مثلاً در ایران از فاصله بین جلسات محاکمه اظهار عدم رضایت میشود با آنکه الان در زمان تحریر این مقاله در اثر جدیت آقای دکتر هدایتی وزیر فعلی داد گستری فواصل نسبت به گذشته بسیار کوتاه شده ولی نویسنده در مجلات امریکائی مقالاتی خوانده‌ام که نویسندگان آن اهل فن بوده‌اند و در آن مقالات از فاصله زیاد بین زمان تقدیم عرضحال تا روز رسیدگی در محکمه و یا از جلسه بجلسه دیگر شکایت شده و این فواصل حد متوسط زائد بر سه سال است بنابراین شکایت از داد گستری تنها مربوط بایران نیست در خیلی از کشورها مردم یا دولت از احکام محاکم خود ناراضی هستند. اخیراً کشورهای ایالات متحده امریکای شمالی از احکام صادر از دیوان عالی در باره تفسیر دیوانعالی از قانون اساسی ناراضی است.

**علل اصلی:** وقتی معلوم شد که عدم رضایت از داد گستری منحصر بایران نیست باید عللی را که مربوط بکشورهای دیگر و کشور ما هم هست جستجو نمود و بنظر نویسنده آن علل بیشتر از معلول اهمیت دارد و مادام که آن علل وجهات باقی است در هر زمانی موضوع عدم رضایت باشکال مختلف جلوه خواهد نمود و اگر موضوع را با وسعت بیشتری مورد نظر قرار دهیم شاید بهتر بمقصد برسیم.

بعقیده نویسنده چند امر موثر در وضع داد گستری هر کشوری است: تأثیر حکومت، تأثیر قوانین، تأثیر افراد.

### تأثیر حکومت و قانون:

حکومتها در چهل سال اخیر برای دوام خود و پیشرفت مقصود و برنامه‌های خود بادرستگاه داد گستری رو بر و هستند. دستگاه‌های داد گستری باید طبق موازین قانونی عمل و قضاوت کنند از آن طرفضیت‌ها و مخالفت‌هایی با حکومت‌ها وجود دارد و یا اختلافات شدید مردمی در میان است اگر حکومت در داد گستری تأثیر نداشته باشد آزادی

عمل اشخاص بعقیده مؤلین حکومت خلل بر انسان رژیم حکومت وارد میآورد و متاسفانه در موارد متعددی رفتار و عمل بعضی از دستگاه‌های داد گستری برای این سوء ظن دلیل تهیه می‌کنند و این امر در تنها کشورهای آسیائی نیست بلکه در ممالک دیگر هم هست چنانکه در امریکا آراء سالهای اخیر دیوان عالی سبب شده‌ای از رجال سیاسی و حقوق دانها باین فکر باشند که اختیارات دیوان عالی را از طریق کنگره محدود سازند و در کشور گانا (افریقای جنوبی) که اخیراً استقلال خود را تحصیل نموده قانونی از پارلمان گذشته که بحکومت اجازه داده هر کس را که بخواهد بدون محاکمه دستگیر و تا پنج سال حبس نماید (۱)

در ایران هم حکومت‌ها در موارد متعدد در داد گستری باین منظور دخالت نموده‌اند که بعضی اوقات دخالت صحیح و بعضی اوقات ناصحیح بوده و عدلیه زمانی مقاومت کرده و وزیر بار نرفته و زمانی دخالت را قبول کرده است - اما در بعضی از کشورها شرایط و اوضاع و احوال طوری است که چنین نگرانی‌هایی وجود ندارد مثل انگلستان و سوئیس و سوئد که حکومتها سعی نمی‌کنند در داد گستری تاثیر داشته باشند.

از طرف دیگر بعضی اوقات قوانینی در کشوری قابل اجرا نیست ، مثلاً در ایران مسئله امنیت بسیار با اهمیت است ولی رویه اصول محاکمات کیفری که مطابق با وضع اجتماعی سوئیس و فرانسه و بلژیک است در میان مردمی که بیسواد در آن زیاد است نمیتواند قابل عمل مثل همان ممالک مبدا این قبیل قوانین باشد بنا بر این بدیهی است عذر زیادی میتواند جریان رسیدگی را بتأخیر اندازند یا از ارفاق متصدیان تعقیب سوء استفاده کنند در صورتیکه رسیدگی بتخلفات متجاوزین با امنیت باید سریع و شدید باشد تا نظم عمومی برهم نخورد . در ایران از بس از این نامناسب بودن قانون سوء استفاده شد که برای حفظ امنیت در سال ۱۳۲۲ وزارت داد گستری ماده واحده بعنوان تشدید مجازات بتصویب مجلس رسانید که رسیدگی بتخلفات اشخاص سابقه دار را بیک

(۱) امیدوارم مجلس ملی و دولت چند هزار ساله ما نخواستہ باشد از دولت جدید التاسیس سیاه یوستان افریقائی (گانا) درس بگیرد و تقلید نماید (آینده)

کمیسیون اداری محول کرده و حکم آن کمیسیون پس از تصویب هیئت تجدید نظر که آنهم اداری است قابل اجراست. و در سال ۱۳۳۱ لایحه قانونی زمان حکومت آقای دکتر مصدق بعنوان حفظ امنیت بتصویب ایشان رسید که در مورد تحریکات و اختلال نظم باز يك کمیسیون رسیدگی کند و اشخاص از تصمیم کمیسیون بداد گاه استان میتوانند شکایت نمایند.

یادر سال ۱۳۱۰ وزارت داد گستری بموجب اختیارات حاصل از مجلس شورای ملی اصل ۸۲ متمم قانون اساسی راطوری تفسیر نمود که در عزل قضات رضایت آنها دخیل نباشد تا اینکه هر زمانی قضاتی بخواهند بر علیه دوات عملی کنند حکومت در تغییر آنها تاثیر داشته باشد. اگر بخواهم موارد را ذکر کنم در هر کشور موارد زیاد است و مقاله طولانی میشود.

\*\*\*

### ادوار مختلف داد گستری ایران :

از زمان مشروطیت تا کنون نویسنده برای داد گستری ایران سه دوره را در نظر میگیرم و هر يك از ادوار مزبور را با سه عامل مذکور در سطور قبل بطور اختصار بحث میکنم یعنی از نظر تاثیر حکومت و قانون و افراد.

**دوره اول :** از مشروطیت تا زمان انحلال عدلیه بوسیله مرحوم داور: بعد از برقراری مشروطیت دستگاه عدلیه بشکل دستگاههای عدلیه اروپائی درآمد با آنکه قضات آن اکثراً و بلکه قریب باتفاق از اشخاصی بودند که تحصیلات قدیمه داشته و یا از فقهاء محسوب بوده اند. در این دوره بعضی از قوانین از قبیل اصول محاکمات حقوقی نحوه جدیدی در محاکمات بوجود آورد که از ادای عمل قضات را در طریق رسیدگی محدود میکرد و نسبت بسابق وضع بهتری محسوب میشد.

از نظر تاثیر حکومت در این دوره باید گفت که حکومت تاثیری در داد گستری نداشت و قوه قضائیه بصورت يك قوه مستقل واقعی با قوه مجریه برابری میکرد و محاکمات متعددی صحت این مسئله را بشبوت میرساند از آن جمله رأی دیوان عالی تمیز در مورد معاملات بانك استراضی روس بود که با آنکه بدولت ایران از طرف دولت شوروی منتقل

شده بود دولت اصرار داشت معاملات رهنی اموال غیر منقول را بوسیله بانك مزبور معتبر بشناسد دیوان عالی تمیز مقاومت کرده معاملات رهنی اموال غیر منقول بانك را غیر معتبر دانست. مورد دیگر که بیاد دارم اصرار دکتر میلسپو رئیس مالیه وقت در مورد محاکمه رئیس اداره ملزومات وزارت دارائی بود که عدلیه مقاومت نمود و حتی دکتر میلسپو برای جبران شکست خود تآمدتی از پرداخت شهریه قضات عدلیه امتناع می کرد اما از نظر تأثیر افراد با کمال تأسف این نقص وجود داشت که در موارد زیادی اشخاص میتوانستند از لحاظ روابط خصوصی و دسته بندی جریان عدالت را تحت تأثیر قرار دهند و دلیل آن اظهار رضایت افکار عمومی از انحلال عدلیه بوسیله مرحوم داور بود البته مسئله تأثیر افراد عمومیت نداشت و هیچوقت هم عمومیت نداشته و ندارد ولی موارد آن هم زیاد بود. وبستگی باشخاصی داشت که محاکمات نزد آنها صورت می گرفت بعبارت دیگر تأثیر افراد در دستگاه قضائی هم امکان داشت و هم مواردی از آن مشاهده میشد و بهمین جهت ناراضی از عدلیه آن زمان هم زیاد بود.

#### دوره دوم : از زمان انحلال عدلیه بوسیله مرحوم داور تا شهر یور ۱۳۲۰

در این دوره از لحاظ تأثیر سه عامل مذکور عقیده نویسنده چنین است : تأثیر قانون : قوانین مفید زیادی در این دوره وضع شده که احتیاجات مردم را بهتر تأمین میکرد و قضات را از تفسیر یا اظهار عقیده شخصی و یا استنباطات بی نیاز و مردم را هم از خطاهای قضات محفوظ میداشت و این قوانین در اصلاح وضع داد گستری بسیار تأثیر داشت و هر يك از وزراء داد گستری آن زمان در این امر متحمل زحمات و مجری خدمات شده اند که از نظر ضبط تاریخ بایستی بدان اشاره شود .

**تأثیر حکومت :** با کمال تأسف برخلاف دوره اول بعد از چند سال در نتیجه خطاهای وزیر داد گستری وقت (مرحوم داور) بتدریج تأثیر حکومت در عدلیه زیاد شد و در بعضی موارد که محاکمات طبق منظور دولت یاسیاست انجام نمی شد از تفسیر اصل ۸۱ متمم قانون اساسی سوءاستفاده میشد و حتی در يك مورد رئیس دیوان کشور معزول شد و اشخاصی بر خلاف عدالت محکومیت یافتند و میتوان گفت در مقابل دولت در

واقع عدلیه بعنوان يك قوه مستقل وجود نداشت معذالك در همان زمان هم قضات محکم و شرافتمندی وجود داشتند که تمکین نمی کردند و استقلال خود را در قضاوت حفظ می کردند و از عواقب وخیم آن پروائی نداشتند - اما این وضع در مورد محاکماتی وجود داشت که دولت از نظر سیاسی بدان نظر داشت ولی در دعاوی افراد بر یکدیگر عدلیه تحت تأثیر دولت قرار نداشت .

**تأثیر افراد :** از نظر محاکمات و دعاوی افراد بعقیده نویسنده دوره مزبور بهترین دوره تاریخ قضائی ایران است در خود قضات احترامی برای شغل خودشان بوجود آمده بود و افراد مطلقاً در جریان محاکمات تأثیری نداشتند زحمات مرحوم داور و وزراء دیگر آقایان صدرالاشراف ، سروری و دکتر متین دفتری وضعی بوجود آورده بود که احترام و حیثیت عدلیه را بالا برده بود و افراد به عدلیه اعتماد و اطمینان داشتند و اگر احیاناً قضاتی تخلف یا اشتباه می کردند دستگاہ نظارت آنقدر قوی و سریع بود که بتخلف رسیدگی می کرد و متخلف تنبیه میشد و ترس از تعقیب و مجازات و وجود مراقبت دائم و ترتیب اثر بشکایات مردم جلوی تخلفات را می گرفت این رویه سبب شده بود غالباً قضات وقت خود را ببحث و مکالمه و مشورت می گذرانند و در زندگی اجتماعی قضات هم مراقبت وجود داشت بنحویکه اگر يك قاضی خلاف شأن قضات عمل می کرد تعقیب می شد و حتی برای شرکت در مجالس رقص هم قضات متخلف از شئون قضائی محسوب می گردید

عدلیه آن دوره بیشتر از آنجهت که تحت تأثیر حکومت قرار داشت و مأمورین شهربانی وقت مخصوصاً از قدرت دولت سوء استفاده می کردند مورد عدم رضایت مردم واقع شده بود و عکس العمل آن این بود که بعد از شهریور ۱۳۲۰ اجازه اعاده دادرسی احکام قطعی بعضی از محکومین بوسیله قانون داده شد اما صرف نظر از جهت مزبور عدلیه وقت برابری با عدلیه اکثر ممالک اروپائی می کرد (۲)

۲- مقصود نویسنده محترم از برابری کردن با عدلیه اکثر ممالک اروپائی رانفهمیدم ایا منظورشان لباس رسمی قضات و ظاهر قوانین و اصول محاکمات است که شباهت با عدلیه های اروپا داشت یا چیز دیگر (آینده)

## دوره سو۰۴ . از شهر یور ۱۳۳۰ تا زمان حاضر :

**تأثیر حکومت :** با وجود آنکه تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی باقی بود معذالك بعد از شهریور میتوان گفت حکومت چندان تأثیری در داد گستری نداشت بلکه در داد گستری اشخاصی پیداشدند که افکار مرامی و سیاسی خود را با استفاده از استقلال قوه قضائیه بکار میبردند و بنفع خود از دستگاه قضائی استفاده میکردند و بعد از آنکه تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی در زمان وزارت مرحوم لطفی از طریق لایحه قانونی لغو گردید و مجلس هفدهم و سنا نیز الغاء مزبور را تصویب نمودند استقلال قوه قضائیه محکم تر شد و تأثیر حکومت در داد گستری دیگر وجود ندارد و اگر اشخاصی آنرا بپذیرند از ضعف خود آنهاست اکنون دیگر نمیتوان گفت حکومت در داد گستری تأثیر دارد ولی اگر دستگاه قضائی بازطوری عمل کند که موجب سوء استفاده اشخاص از لحاظ سیاسی یا مرامی گردد نمیتوان اطمینان داشت که وضع حاضر باقی بماند اما مطلبی که باید گفته شود این است که با وجود عدم تأثیر حکومت در داد گستری در سنوات اخیر عده از قضات در داد گستری از طریق دیگر تأثیر حکومت را در داد گستری رواج میدهند بدین معنی که در دعاوی دولت با مردم تصور میکنند حکم بنفع دولت خدمت بجامعه است و لو آنکه برخلاف حق باشد و بعضی از آنها باین عمل حتی تظاهر و برای کسب و جاحت بدان متوسل میشوند و بعضی دیگر شاید تصور ترقی مدارجی را در مدت کوتاه تری کنند و این عیب و نقص بزرگی است که فعلاً موجود است و بتدریج سبب خواهد شد که قوه قضائیه در مجریه مستهلك شود چنانچه در گذشته دیده شد این عده در اغلیت ناچیزی و بتعداد و افراد معینی و اکثریت عظیم قضات بین حکومت و مردم فرقی قائل نیستند .

**تأثیر قانون :** یکی از طرق اصلاح داد گستری اصلاح بعضی از قوانین موجود یا وضع قوانین جدیدی است که بکارهای معوقه خاتمه دهد و جریان کارها را سریع تر سازد . در این قسمت موفقیت هائی حاصل شده و مخصوصاً یکی از برنامه های آقای دکتر هدایتی وزیر داد گستری فعلی همین امر است و لوایح مفید و مؤثری تقدیم مجلسین نموده اند که بعضی تصویب شده و بقیه نیز با اصلاحاتی تصویب خواهد شد .

**تأثیر افراد:** با کمال تأسف از شهریور ۱۳۲۰ باینطرف تأثیر افراد در امور داد گستری بیشتر شده و دلایل آن زیاد است و همین تأثیر افراد است که یابراثر روابط خصوصی و یا جهات دیگر موجب سوء جریان در مواردی میشود و این امر چون مربوط بشخصیت و صفات اخلاقی و تربیتی و ایمانی است چیزی نیست که باقانون اصلاح شود و نظارت بر جریان امور دستگاه قضائی و سعی در افزایش معلومات قضات و تعقیب متخلفین از طریق محکمه عالی انتظامی بتدریج این نقص را باید برطرف کند ولی در باره داد گستری نمیتوان گفت که چون افرادی میتوانند با برقراری روابط خصوصی باعده در جریان عدالت موثر شوند پس داد گستری کلاً خراب و محتاج اصلاح است و هر اقدام سریع بدون مطالعه از قبیل تصفیه یا انحلال نه فقط وضع را بهتر نمیکند بلکه بدتر خواهد نمود و این قبیل عیوب و نواقص بتدریج قابل اصلاح است.

برای مثال باید گفته شود در داد گستری محاکمی هستند و افرادی که با هیچ وسیله و قوه قابل نفوذ نیستند و بمعنای واقعی عدالت حق گذاری بین مردم و مردم و مردم و دولت قضاوت می کنند. بنا بر این با چنین اشخاصی نمیتوان گفت عدلیه خراب است ولی اشخاصی هم هستند که در اقلیت اند و واجد این صفات نیستند و رفتار و رویه آنها موجب بدبینی مردم نسبت بداد گستری میشود. پس باید بتدریج این نقص برطرف شود و این نقص هم قابل اصلاح است. النهایه مطالعه و وقت و برنامه لازم دارد و بسته به تربیت اجتماعی و معلومات و محیط هم هست داد گستری ایران: از حیث نواقصی که در این مقاله ذکر شد در بعضی ادوار اصلاح شده و نتایجی هم بدست آمد ولی عجله و سرعت و عدم دقت بعضی از نتایج حاصل را از میان برده - بنا بر این نمیتوان گفت بطور مطلق عدلیه ایران خراب است زیرا مواردی زیاد مشاهده شده و میشود که عدلیه حقوق مردم را حفظ کرده و میکند و در مقابل قدرت و نفوذ و همه چیز ایستادگی کرده و مواردی هم دیده شد که حقوق اشخاص را عدلیه نتوانسته حفظ کند و اگر وزارت عدلیه یک نظارتی قوی بر اعمال مسببین مورد دوم برقرار سازد که برای قاضی تخلف امکان نداشته باشد مثل ایام زمان مرحوم داور تا شهریور ۱۳۲۰ این نقص هم برطرف خواهد شد و محتاج بقانونی نخواهد بود. پس اصلاح داد گستری بطور مطلق معنی و مفهومی ندارد.